

توسعه صادرات نفت اوپک در فرآیند جهانی شدن اقتصاد

سیدکمیل طیبی^۱، مریم رضایی^۲

چکیده

بعد اقتصادی مفهوم جهانی شدن بارزترین حوزه فعالیت این پدیده می باشد و بدون تردید انقلاب ارتباطات به تسریع آن در این حوزه کمک بسیاری نموده است. به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد به منزله یک الگوی کامل شده از فعالیتهای فرامرزی و در سطح جهانی است.

آنچه در دنیای کنونی محتمل و قریب به یقین است یکپارچگی جهانی است که مطمئناً هیچ گریزی از آن نیست. از سوی دیگر دنیای صنعتی که به سرعت به سمت دهکده جهانی حرکت می کند با بحران انرژی روبه رو است که در این میان نفت به عنوان یکی از پراهمیت ترین ذخایر طبیعی انرژی نقش برجسته تری خواهد داشت.

از آنجایی که اکثر کشورهای تولیدکننده نفت در قالب سازمان اوپک قرار داشته و امروزه تا حدود زیادی سیاستهای نفتی بین المللی خود را اعم از تولید و صادرات به صورت دسته جمعی بر پایه توافقات به عمل آمده در این سازمان تنظیم می کنند، نگران بازارهای نفتی خود هستند که ناشی از گسترش فرآیند جهانی شدن است. آینده عرضه و سرنوشت بازار نفت، تعامل سایر فعالیتهای اقتصادی در سطح جهان با اوپک، و چالش های ناشی از جهانی شدن در تولید و صادرات و نهایتاً اینکه درآمدهای نفتی اعضای اوپک بر شاخصهای

۱. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد (komail@econ.ui.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی (rezaei3mr@yahoo.com)

اقتصادهای آنها (مثل سرمایه‌گذاری، اشتغال، رفاه و ...) تا چه حد اثرگذار است، پرسشهایی است که نه تنها اعضای این سازمان بلکه اکثر کشورهای جهان را در مواجهه با فرصتها و چالشهای ناشی از این پدیده قرار داده است. در عمل این پرسش اساسی قابل طرح است که فرآیند جهانی شدن چه تاثیری بر روند تولید و صادرات نفت اوپک ایجاد خواهد نمود و در یک افق زمانی مشخص چه شرایطی را برای این متغیرها فراهم می‌سازد؟

در این مقاله با استفاده از مدل ال‌یوسف (۱۹۹۸) عوامل تعیین‌کننده عرضه صادرات اوپک شناسایی شده و با تخمین مدل صادرات اوپک در دوره زمانی (۲۰۰۳ - ۱۹۷۹)، اثرات جهانی شدن روی این متغیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای برآورد روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت از الگوی ARDL استفاده شده است. نتایج در عمل بیانگر تاثیرگذاری کوتاه و بلندمدت جهانی شدن بر روند صادرات نفت اوپک است. به طوری که در بلندمدت تحولات عمیق‌تری را در عرضه صادرات نفت کشورهای عضو اوپک ایجاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: اوپک، عرضه صادرات اوپک، جهانی شدن، روش‌های ARDL و ECM.

۱. مقدمه

نفت خام به‌عنوان موتور محرکه صنعت جهان، بخش قابل توجهی از مبادلات تجاری بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، هدایت و سازمان‌دهی بخش اعظم تولید و صادرات این کالا در اختیار سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. اگر چه سازمان تجارت جهانی با وضع مقررات و قواعد چند جانبه، تجارت کالا و خدمات بین کشورهای عضو را تحت نظارت دارد، ولی نقش این سازمان در تجارت جهانی نفت خام و نیز ارتباط آن با اوپک هم چنان نامشخص است.

الحاق عربستان سعودی در سپتامبر ۲۰۰۳ به سازمان تجارت جهانی و پیشرفتهای حاصله در مذاکرات الحاق روسیه به این سازمان بیانگر این است که تجارت بین‌المللی نفت خام بیش از پیش تحت نظارت نظام تجاری چند جانبه و قاعده‌مند قرار می‌گیرد. به موازات اینکه تعداد بیشتری از کشورهای صادرکننده نفت به عضویت سازمان تجارت جهانی در می‌آیند، این پرسش مطرح می‌گردد که این تغییرات چگونه بر نقش اوپک به عنوان یک مجمع بین‌الدولی بر قواعد حاکم بر عرضه نفت و قیمت آن در بازار جهانی مؤثر خواهد بود؟

آنچه در دنیای کنونی محتمل و قریب به یقین است یکپارچگی جهانی است که مطمئناً هیچ گریزی از آن نیست. از سوی دیگر دنیای صنعتی که به سرعت به سمت دهکده جهانی حرکت می‌کند، با بحران انرژی روبه‌روست که در این میان نفت به عنوان یکی از پراهمیت‌ترین ذخایر طبیعی انرژی نقش برجسته‌تری خواهد داشت. هر چند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای جایگزین کردن انرژی‌های دیگر با نفت صورت گرفته است اما هیچ کدام از آنها قادر نبوده در اهمیت استراتژیک نفت نقصان قابل توجهی ایجاد کند.

بنابراین، آینده بازار عرضه و تقاضای نفت، اثرگذاری شاخصهای گوناگون جهانی شدن بر متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی اعضای اوپک و کشورهای غیرعضو؛ و نقش حیاتی اوپک در تنظیم بازار نفت در فرآیند رو به جلو یکپارچگی جهانی از یک سو، و از سوی دیگر پیش‌بینی حرکت همراه و یا غیرهمراه اوپک با این فرآیند؛ پرسشهایی است که نه تنها اعضای این سازمان بلکه اکثر کشورهای جهان را در مواجهه با فرصتها و چالشهای ناشی از این پدیده قرار داده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی عوامل مؤثر بر صادرات نفت اوپک و به ویژه بررسی فرآیند جهانی شدن بر صادرات این کالای استراتژیک و مهم است. در عمل این مطالعه به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال است که جهانی شدن چه تاثیری و تا چه حدی در دوره‌های زمانی متفاوت (بلندمدت و کوتاه‌مدت) بر صادرات نفت خام اوپک ایجاد می‌کند؟

بخش دوم مقاله به فرآیند جهانی شدن و جایگاه تجارت در آن می‌پردازد و پس از مروری بر مبانی نظری جهانی شدن شکل‌گیری جریانهای تجارت در پرتو جهانی شدن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مقاله حاضر در بخش سوم تاثیرپذیری صادرات نفت اوپک را از این پدیده مدل‌سازی می‌نماید. در ادامه این بخش نتایج و داده‌های ناشی از برآورد مدل از دو دیدگاه بلندمدت و کوتاه‌مدت تجزیه و تحلیل می‌شود و در بخش چهارم نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌گردد.

۲. فرآیند جهانی شدن و تجارت

۲-۱. مفهوم جهانی شدن

در دو دهه اخیر، تحولاتی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل به وقوع پیوست که ضمن بی‌نظیر بودن، موجب انتقال اقتصاد بین‌الملل به نظامی گردید که غالب اندیشمندان علوم اجتماعی آنرا جهانی شدن می‌دانند. جهانی شدن واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی است که یکی از

مناقشه‌آمیزترین موضوعات در علوم اجتماعی نامیده شده است. هرچند در مورد آن بحث‌های زیادی صورت گرفته است، ولی هنوز تعریفی جامع و فراگیر برای آن ارائه نشده است و هم‌چنان پیرامون تبیین آن مشاجرات و ابهامات فراوانی مشاهده می‌شود. صندوق بین‌المللی پول (IMF) جهانی شدن را «رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماوراء مرزها و هم‌چنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی» می‌داند (کلباسی و جلابی ۱۳۸۱).

در فرآیند جهانی شدن، بازارها به صورت عمیقی درهم‌آمیخته می‌شوند و بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. امروزه سیاست‌های اقتصادی کشورهای بر ممالک دیگر جهان زودتر از گذشته تاثیر می‌گذارند. ویژگی این پدیده در عصر ما کاهش هزینه‌های حمل و نقل، موانع تجاری کمتر، انتقال سریعتر عقاید و افکار بین مردم جهان، نقل و انتقال سریعتر و بیشتر فن‌آوری، سرمایه و نیروی کار و به تبع آن مهارت‌ها است. پرواضح است که با رشد فن‌آوری در اثر جهانی شدن، می‌توان از این پدیده به نفع بشریت استفاده نمود جهانی شدن احساس انزوا را در جهان در حال توسعه تخفیف بخشیده و به مردم این کشورها امکان می‌دهد به دانشی دست یابند که یک قرن پیش حتی در اختیار مرفه‌ترین افراد هیچ‌کس قرار نداشت (استیگلیتز، ۲۰۰۱).

پراتون^۱ جهانی شدن را فرآیندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم‌رنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگها را افزون می‌نماید. به نظر وی جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری است و هم‌چنین فعالیت‌های اجتماعی محیط‌زیست را متأثر می‌کند (بهکیش، ۱۳۸۰). مالکوم واترز^۲ معتقد است که جهانی شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند.

اولین موج جهانی شدن بین سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۷۰ اتفاق افتاد و موتور محرک آن، پیشرفت‌های حاصله در امر حمل و نقل و کاهش تعرفه‌ها بود که این عوامل زمینه‌ساز استفاده بهتر و مولدتر از زمین‌های بکر و دست‌نخورده شد و موج دوم جهانی شدن مربوط

1. Perraton
2. Malcom Waters

فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

به سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ است که ویژگی آن ادغام کشورهای غنی در یکدیگر بود. اما موج اخیر جهانی شدن که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و امروزه شدت یافته است، مبتنی بر پیشرفت‌های فن آوری در امر حمل و نقل و ارتباطات و اطلاعات است. هر چند این پدیده یک حقیقت غیر قابل اجتناب است، اما باب استفاده بهینه و تبری جستن از تهدیدها و تاحدودی زیان‌های آن به خصوص برای کشورهای عقب افتاده مسدود نیست.

بعد اقتصادی مفهوم جهانی شدن بارزترین حوزه فعالیت جهانی شدن بوده است و بدون تردید انقلاب ارتباطات به تسریع آن در این حوزه کمک بسیاری نموده است. به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد الگوی کامل شده از فعالیت‌های فرامرزی است و دامنه آن ابعاد مختلف اقتصاد ملی و حتی محلی را در بر می‌گیرد. در حقیقت، جهانی شدن اقتصاد فرآیند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است که در آن عوامل تولید، تکنولوژی و اطلاعات آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کنند و محصولات تولیدی شامل کالاها و خدمات نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می‌شوند. از مشخصه‌های اصلی این فرآیند می‌توان به اتکاء بیشتر به نظام بازار و خصوصی‌سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن اعم از آزادسازی‌های تجاری و مالی و انجام سرمایه‌گذاری‌های خارجی اشاره کرد. (دادگر و ناجی میدانی، ۱۳۸۲).

بنابراین، به‌طور مشخص جهانی شدن اقتصاد از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر، چنین می‌توان گفت که جهانی شدن اقتصاد وجه مسلط و بنیادی تغییر و تحولات است، به‌گونه‌ای که مناسبات جهانی در ابعاد سیاسی و فرهنگی عمدتاً در پرتو ابعاد اقتصادی در حال شکل‌گیری و نهادینه شدن است. نقش این پدیده در فرآیند جهانی شدن اقتصاد به اندازه‌ای است که تغییر شکل تولید، توزیع و بازاریابی کالاها و خدمات و هم‌چنین توسعه رژیم تجاری بین‌المللی به همه کشورها تسری می‌یابد. نتیجه چنین سیستمی، ایجاد یک الگوی تجاری است که کشورهای مختلف منافع خود را در آن جستجو می‌کنند.

درباره مفهوم جهانی شدن اقتصاد نیز همانند جهانی شدن، با تعاریف و برداشتهای گوناگونی مواجه می‌شویم. اولین برداشت معمول از جهانی شدن اقتصاد، معنایی مترادف با بین‌المللی شدن است که مبادلات و تعاملات بین‌المللی را مدنظر قرار می‌دهد (شولت ۲۰۰۰).^۱ در دومین کاربرد جهانی شدن اقتصاد معادل «آزادسازی» ملاحظه شده است. در

1. Scholte (2000)

این نگرش، جهانی شدن به فرآیند حذف محدودیت‌های تحمیل شده از ناحیه دولت بر روابط خارجی کشورها به منظور دستیابی به یک اقتصاد جهانی باز و بدون مرز اشاره دارد. به عبارت دیگر، در این کاربرد جهانی شدن فرآیند ادغام در اقتصاد بین‌الملل می‌باشد. شواهدی در این خصوص در دهه‌های اخیر را می‌توان در کاهش گسترده و یا حتی حذف کامل موانع بر سر راه تجارت، محدودیت‌های ارزشهای خارجی، کنترل سرمایه و ... مشاهده نمود.

۲-۲. گسترش جریان‌های تجاری در جهانی شدن

تجارت در مرکز ثقل جهانی شدن قرار دارد و نقطه آغازی برای کشورهای در حال توسعه در باز بودن اقتصاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی در کسب آثار آن است. ارتباط مثبت بین تجارت، بهره‌وری کل و رشد اقتصادی هم همواره مورد تاکید نظریه پردازان تجارت بین‌الملل مثل کروگر (۱۹۹۷)^۱ و سرنی و اسان و بقواتی (۱۹۹۹)^۲ بوده است، که از طریق توسعه جریان‌های مبادلات جهانی شکل گرفته است. دامنه وسیع فعالیت‌های اقتصادی آسیایی هم بر اصل جریان صادرات قرار داشته است. در فرآیند جهانی شدن، تجارت بازارها را برای تولیدات داخلی گسترش می‌دهد و آنها را به صرفه‌های اقتصادی ناشی از مقیاس نزدیک می‌سازد، آنها را وادار می‌نماید تا رقابتی باشند و به فرصت‌های جذب تکنولوژی پیشرفته دست یابند. در این ارتباط، موفق‌ترین اقتصادهای کشورهای آسیایی حداکثر بهره‌وری را از طریق تاکید بر گسترش صادرات در اواسط دهه ۱۹۸۰ کسب نمودند. از آن به بعد، رشد محصولات تکنولوژی بر^۳ در نتیجه رشد جریان‌های تجاری به وقوع پیوسته است (آدس و گلاسر ۱۹۹۹)^۴.

در فرآیند جهانی شدن بحث توسعه مبادلات تجاری و اقتصادی در چارچوب آزادسازی‌های اقتصادی مطرح است، به طوری که یکپارچگی و ادغام‌های تجاری بین کشورهای یک منطقه جغرافیایی و یا یک منطقه اقتصادی بیش از پیش شکل گرفته و با سرعت بیشتری رو به گسترش است. تاثیرپذیری اقتصاد کشورهای در حال توسعه و نحوه مشارکت بخش‌های اقتصادی این کشورها در ابعاد و صحنه‌های جهانی مبتنی بر مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای جدی است. کشورهای با درآمد پایین که هنوز مزیت نسبی آنها

1. Krueger (1997)
2. Srinivasan and Bhagwati (1999)
3. Technology intensive
4. Ades and Glaeser (1999)

در کالاهای کشاورزی، صنایع سبک، فعالیت‌های مونتاژ و مواد اولیه و خام است، هم چنان مترصد گسترش بازارهای صادراتی خود هستند. این مساله، مستلزم فعالیت بیشتر، مشارکت‌های استراتژیک و هماهنگی این کشورها در تعامل با مذاکرات تجاری جهانی است. اگرچه موانع تجاری در نتیجه تحولات آزادسازی تجاری، که ناشی از جهانی شدن و مذاکرات دور اروگوئه بوده، همواره کاهش یافته است، اما در کشورهای در حال توسعه هم چنان موانع غیرتعرفه‌ای و سهمیه‌بندی‌های تجاری به‌ویژه در مورد محصولات کشاورزی و منسوجات اعمال می‌شود. به زعم رودریکوئر-کلر (۱۹۹۶)^۱ با توسعه فن آوری و انتقال تکنولوژی که ناشی از سرریزهای تجاری-اقتصادی می‌باشد، می‌توان منافع موقت ناشی از به کارگیری کنترل تجاری را تا حد زیادی خنثی نمود.

بدین ترتیب، با هدف یکپارچگی تجاری که یک واقعیت جهانی است، کشورهای عضو اتحادیه‌های اقتصادی می‌کوشند ضمن کاهش تدریجی و سپس حذف موانع تجاری جریان‌های صادراتی و وارداتی بین خود را نیز افزایش دهند تا زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصاد ملی خود از یک طرف بوده و مشارکت گسترده‌تری در عرصه جهانی داشته باشند. بدین لحاظ، شرایط نوین اقتصاد جهانی در پرتو جهانی شدن و یکپارچگی‌های عمیق اقتصادی-جغرافیایی بر صادرات و سایر متغیرهای اقتصادی کشورهای عضو اوپک نیز تاثیرگذار است. در بخش بعدی، این مهم یعنی تاثیر جهانی شدن بر توسعه صادرات نفت اوپک در چارچوب یک مدل اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳. صادرات اوپک و جهانی شدن: ارائه یک مدل

پس از ظهور نفت در نیمه دوم قرن نوزدهم، به عنوان کالای مورد نیاز کشورهای در حال صنعتی شدن، بر مجموعه مبادلات تجاری جهان به طور چشمگیری افزوده شد و صنعت نفت قدم‌های بلندی پس از یک دوره کوتاه‌مدت برای بین‌المللی کردن خود برداشت. بدین منوال، با تاسیس اوپک در سال ۱۹۶۰، این سازمان تخت عنوان نیروی جهان سومی که می‌تواند ناتوانی مناطق استعمار زده را بهبود بخشد، مورد توجه واقع شد. در سال ۱۹۷۳ سازمان اوپک با امکان دادن به دولت‌های عضو برای وضع یک جانبه قیمت‌های نفت، بخش عمده‌ای از ماموریت خود را به انجام رساند.

بخش نفت همواره در ابعاد ملی و بین‌المللی به‌ویژه در کشورهای صادرکننده نفت

1. Rodriguez-Clare (1996)

از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. از بعد اقتصاد ملی، صنعت نفت نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ملی، اشتغال‌زایی و تامین بودجه دارد از بعد بین‌المللی نیز گسترش صادرات غیر نفتی و مشارکت در مبادلات جهانی حائز اهمیت است. ایران یکی از مهمترین کشورهای عضو اوپک که در آستانه ورود به سازمان تجارت جهانی قرار دارد به عنوان دومین تولیدکننده اوپک از جایگاه خاصی برخوردار است. همین مساله موجب گردیده است تا ایران از سوی بسیاری از محافل جهانی مورد توجه قرار گیرد. سهم ایران در عرضه جهانی نفت ۵/۶٪ و در میان کشورهای عضو اوپک ۱۴/۳٪ می‌باشد که این میزان باعث شده است تا ایران طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته برای ۲۰ سال آینده توانایی پاسخ‌گویی به ۱۲٪ از کل تقاضای جهانی نفت را داشته باشد.

با این حال، تفاوت‌های موجود در عملکرد اقتصادی تولیدکنندگان و نیازهای آنان تنها عاملی نیست که تاثیرگذاری اوپک را محدود می‌سازد، بلکه تفاوت در تنوع اقتصاد ملی کشورهای عضو، حجم ذخایر و فعالیت در بخش‌های پایین‌دستی در سطح بین‌المللی و همچنین تضادهای آشکار اجتماعی - سیاسی موجب کاهش محدوده و قلمرو عملکرد موثر اوپک در بین اعضا گردیده است. کشورهای عضو اوپک با ۵۱۳ میلیون نفر جمعیت و ۱۲/۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت در سال ۲۰۰۰ در حدود ۸۶۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته‌اند (بهروزی‌فر، ۱۳۸۱).

می‌توان ادعا کرد که از منظر تولید و صادرات، مهمترین رفتار اعضای اوپک گرایش و تمایل کشورها برای تخلف از سهمیه‌ها بوده است. تغییرات ساختاری که در بازارهای جهانی نفت رخ داد باعث رشد سریع عرضه توسط غیر اوپک و سقوط قیمتهای نفت در دهه گذشته شد. از این رو بسیاری از اعضای اوپک به منظور افزایش درآمد، سطح تولید خود را بیش از میزان سهمیه‌ها بالا بردند. افزایش سهم غیر اوپک در نتیجه افزایش تقاضای جهانی نفت خام و سیاست حفظ سطح قیمتها در بازار توسط اوپک رخ داد کشورهای غیر اوپک همواره در تلاش‌اند تا با بالا بردن توان عملیاتی خود، کشف حوزه‌های جدید، کاهش هزینه‌های عملیاتی و استفاده از حداکثر ظرفیت تولید؛ سهم بیشتری از بازارهای نفت را به خود اختصاص دهند. این بدان معنی است که غیر اوپک عمدتاً بر اساس توان عملیاتی و برنامه‌های مدون تولیدی در بازار ظاهر شده است.

دور جدید جهانی شدن و ایجاد شرایط جدید در اقتصاد دنیا، صنعت جهانی نفت را نیز به تجدید ساختار وادار کرده است. صنعت جهانی نفت در سال‌های پایانی قرن بیستم از

تحولات جدی در ساختار خود برخوردار شد. به طور کلی، تجدید ساختار در یک صنعت موارد مختلفی همچون یکی شدن، ملی شدن، کوچک شدن، خصوصی سازی، تغییر مجموعه، همگرایی، تغییر مقررات (مقررات زدایی)، بازار آرایی سازمانی، تغییرات درونی و تجاری سازی را در بر می گیرد.

گروهی از صاحب نظران با اشاره به موارد یاد شده و با اعتقاد به اینکه در دو دهه گذشته روند جهانی شدن اقتصاد شتاب بیشتری گرفته است، به این موضوع اعتقاد دارند که مجموعه تحولات جهانی شدن در جنبه های مختلف صنعت نفت بیانگر آن است که بازار به سمت رها شدن قدرت و کنترل قیمت گذاری از دست تولید کنندگان و مصرف کنندگان حرکت می کند. گروه دیگری ادعا می کنند که چنانچه اوپک انعطاف پذیری عملکردهای خود را در بازارهای جهانی حفظ کند و به حرکت سازگار خود با سازمانهای بین المللی و شرکتهای ادغام شده بزرگ در طی فرآیند اقتصاد جهانی ادامه دهد، می تواند به حیات امپراتوری خود حداقل در عرصه نفت خام، عرضه و قیمت گذاری آن، امیدوار باشد. این عده از اندیشمندان معتقدند که در جهانی وابسته به هم و با اقتصادی چنین شتابان به سوی یکپارچگی، منافع اوپک تا حد زیادی در ارتباط با منافع کشورهای صنعتی است. بنابراین آنها پیشنهاد می کنند که راهبرد اوپک می بایست به سمت روشهای مبتنی بر همکاری تغییر جهت دهد.

اما از طرف دیگر عده ای معتقدند که فرآیند جهانی شدن و صنعت نفت از پیوند و اثر گذاری چشمگیر متقابل برخوردارند. صنعت نفت به دلیل ویژگی برون نگری خود، نقش مهمی در ایجاد و استمرار فرآیند جهانی شدن داشته است و جهانی شدن نیز با عنایت به کلیت خود، اثرات عمیقی بر صنعت نفت داشته است. اما کلیت فرآیند ارتباط این دو، در راستای کاهش قدرت تصمیم گیری و تاثیر گذاری دارندگان منابع نفتی - خصوصاً مجموعه کشورهای صادرکننده نفت، اوپک - عمل کرده است. کاهش قدرت نفت در اثر تاثیر پذیری از فن آوری که زاینده فرآیند رو به گسترش جهانی شدن در همه ابعاد خصوصاً اقتصاد است، به شدت به این امر یاری رسانده است. فن آوری در مصرف نفت، کاهش سهم نفت در تولید را در پی داشته است. فن آوری در تولید کاهش قیمت تمام شده نفت را به همراه داشته و بالاخره فن آوری در بازار به کاهش قدرت تاثیر گذاری صاحبان نفت انجامیده است. اثر جهانی شدن بر محدودیت ابعاد حاکمیت دولتها و باز تعریف قدرت ملی نیز پیامدهای خاصی برای حاکمیت صاحبان منابع نفتی داشته است. دو بعد مهم آن، بحث

سازمان تجارت جهانی و مسائل زیست محیطی است که هر دو به عنوان عوامل محدودکننده قدرت اعمال حاکمیت توسط کشورهای دارنده منابع نفتی بر چگونگی بهره‌برداری از این منابع عمل کرده‌اند و در نتیجه عملکردهای هم سو با مجموع جریانات، اعم از فن آوری، سرمایه، مدیریت بازارها و ... قیمت واقعی نفت سیر نزولی به خود گرفته است.

اما چنین به نظر می‌رسد که این مشکلات با یک تلاش مثبت از جانب هر دو طرف مصرف‌کننده و تولیدکننده برای جستجوی برخی زمینه‌های مشترک قابل حل است. اوپک تمایل خود را برای ورود به آنچه یک توافق قانونی سازمان‌دهی شده خوانده می‌شود نشان داده است. تا از یک طرف حق قیمت‌گذاری خود را تنها برای منابع قابل تصرف و تجدیدنپذیر حفظ کند و از طرف دیگر حقوق مصرف‌کنندگان را در مورد عرضه تضمین شده نفت در قیمت‌های مناسب رعایت کرده باشد.

چنین جنبه‌های رفتاری تولیدکنندگان نفت اوپک و غیر اوپک باعث شده تا زمینه برای تحقیقات گسترده در خصوص ارزیابی رفتار صادرکنندگان نفت و شکل‌گیری رفتار صادراتی اوپک به خصوص در گستره جهانی شدن فراهم گردد.

الیوسف (۱۹۹۸)^۱ تولید اوپک را تحت تاثیر عواملی مانند قیمت نفت خام و تولید دوره قبل غیر اوپک می‌داند. این قیمت حداکثر قیمتی است که اوپک در هر دوره با توجه به عوامل موثر بر قیمت‌های جهانی نفت می‌تواند برای تولیدات خود تصور کند. این عوامل عبارتند از: نرخ سود های محاسبه نشده ناشی از رفتار کارتلی اوپک، سطح ذخایر اوپک و هزینه تولید که معمولاً به صورت هزینه متوسط تولید در نظر گرفته می‌شود. نهایتاً مدل وی به صورت زیر می‌باشد.

$$Q^{OPEC} = Q_{P,A}^W - Q_{P,Z}^{no} \quad (1)$$

در این رابطه تولید اوپک تحت تاثیر تقاضای جهانی نفت و عرضه غیر اوپک شناخته شده است. اما این دو متغیر خود، تحت تاثیر عوامل دیگری هستند. در برخی مدلها تقاضای جهانی نفت به متغیرهایی مانند قیمت‌های واقعی نفت (P) و فعالیت‌های اقتصادی (A) وابسته است. در حالیکه عرضه نفت خام کشورهای غیر اوپک تحت تاثیر متغیرهای قیمت‌های واقعی نفت (P) و متغیرهای برون زای عرضه (Z) است. می‌توان رابطه بالا را به صورت زیر خلاصه کرد

1. Al Yuosef (1998)

$$Q^{OPEC} = f(P, A, Q^{no}) \quad (2)$$

در ادامه متغیر Q^{OPEC} یا عرضه نفت اوپک با متغیر X_{oil} یا عرضه صادرات نفت خام اوپک جایگزین می شود. متغیر سهمیه تولید اوپک یا Q_{outa} به عنوان جانشین متغیر برونزای عرضه وارد مدل شده است. لذا رابطه ۲ را میتوان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$X_{oil} = f(P_{oil}, Q_n, Quota, A) \quad (3)$$

بدین جهت الیوسف نشان می دهد که متغیرهایی مانند قیمت واقعی نفت و تولید غیر اوپک بر صادرات نفت اوپک دارای اثر مثبت هستند. در حالی که سهمیه های تعیین شده برای هر یک از اعضای اوپک می تواند اثر تعدیل کننده ای را بر صادرات اوپک داشته باشد. در مدل ارائه شده توسط الیوسف متغیر فعالیت (شاخص فعالیت های اقتصادی) مجموعه ای از متغیرهای اقتصادی مثل تولید سرانه اعضای اوپک، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو، سهم بخش نفت در کل تولید کشورهای عضو و یا حجم تجاری این کشورها به عنوان چگونگی مشارکت در مبادلات تجاری است. به طوری که بهبود این شاخص ممکن است منجر به افزایش توان صادراتی اعضای اوپک گردد.

فرم استوکاستیک و لگاریتم خطی معادله فوق به صورت زیر تصریح می شود:

$$L X_{oil,t} = \beta_1 + \beta_2 L P_{oil,t} + \beta_3 L Q_{n,t} + \beta_4 L Quota_t + \beta_5 L A_t + U_{it} \quad (4)$$

$$\beta_2, \beta_3, \beta_5 > 0 \quad \beta_4 < 0$$

که در آن $\beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$ کشش های صادراتی اوپک نسبت به قیمت، تولید غیر اوپک، سهمیه های تعیین شده و متغیر فعالیت هستند. مقادیر مربوط به متغیرها در زمان t مشاهده می گردند. با این حال، در ادبیات موضوع عوامل تعیین کننده متعددی تعیین کننده قیمت نفت شناسایی شده اند که در عمل بر رفتار تولیدی و صادراتی اعضای اوپک و غیر اوپک تاثیر گذارند.

اما متغیر P_{oil} که بیانگر قیمت واقعی نفت در رابطه (۲) می باشد به ۳ روش قابل محاسبه و اندازه گیری است که به شرح زیر خواهد بود:

۱. قیمت واقعی نفت در شرایط تعدیل نرخ ارز: در این حالت قیمت اسمی سبد نفت خام اوپک با یک شاخص وزنی از میانگین موزون نرخهای ارز هر کشور عضو (برابری پول ملی با دلار آمریکا) تعدیل شده است. منظور از میانگین وزنی این است که سهم و اندازه کشورهای عضو در تولید نفت نیز موثر بوده است.

۲. قیمت واقعی نفت در شرایط تعدیلی نرخ تورم: در این حالت شاخص تعدیل کننده قیمت اسمی، میانگین موزون نرخ تورم کشورهای عضو اوپک که به صورت درصد سالانه و مجموع نرخ تورم وارداتی و داخلی وارد شده است، می باشد. اما به دلیل وجود اختلافات بسیار میان اقتصادهای داخلی کشورهای اوپک، این قیمت در مقایسه با فرم اول نتایج بهتری را در بر نداشته است.

۳. قیمت واقعی نفت در شرایط تعدیلی ترکیبی: در این حالت برای محاسبه قیمت واقعی سبد نفتی اوپک، ترکیبی از شاخصهای نرخ ارز و تورم در هر سال در نظر گرفته می شود و این بار این شاخص ترکیبی، قیمت‌های اسمی را تعدیل می کند.

بدین لحاظ کافمن^۱ (۲۰۰۰) قیمت واقعی نفت را در سطح جهانی متأثر از متغیرهای مختلفی مثل ذخایر نفتی کشورهای OECD، ظرفیت بهره برداری توسط اوپک و رفتارهای غیر رقابتی توسط اوپک مثل اعلام سهمیه‌ها از سوی اوپک و میزان تبعیت از این سهمیه‌ها می بیند. به عنوان مثال وی معادله خود را به صورت زیر تصریح می کند:

$$\text{Price} = f(\text{Days}, \text{Quota}, \text{Cheat}, \text{Caputil}, Q_1, Q_2, Q_3, \text{War})$$

که در آن، Price قیمت فوب (fob) واردات نفت خام آمریکا است که بر اساس هر بشکه به دلار آمریکا در سال ۱۹۹۶ اندازه گیری شده است، Days روزهای مصرف جلوگیری از ذخیره سازی OECD است که به وسیله تقسیم ذخایر نفت خام OECD به تقاضای نفت خام OECD محاسبه شده است. Quota سهمیه تولید اوپک به صورت میلیون بشکه در روز و Cheat تفاوت بین تولید نفت خام اوپک و سهمیه های اوپک است (mbd). Caputil هم ظرفیت بهره برداری توسط اوپک است که به وسیله تقسیم تولید اوپک به ظرفیت اوپک محاسبه شده است. Q_1, Q_2, Q_3 به ترتیب متغیرهای مجازی فصلی مربوط به فصل اول، دوم و سوم سال هستند و War به عنوان یک متغیر مجازی برای جنگ خلیج فارس در فصلهای سوم و چهارم سال ۱۹۹۰ است.

همانطور که در بخش قبل بحث گردید، فرآیند جهانی شدن به ویژه هنگامی که در قالب مبادلات گسترده تجاری باشد، بر سطح فعالیت های کشورها و سازمانهای اقتصادی از جمله اوپک به طور معنی داری تاثیر گذار است. بر این اساس در این مطالعه تلاش می شود تا با اندازه گیری شاخص جهانی شدن و ورود آن به مدل کافمن و سانچز، چگونگی تاثیر جهانی شدن را به عنوان یک متغیر فعالیت بر روند صادرات اوپک بررسی نمود. این متغیر

1. Kaufman (2000)

فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

می تواند به عنوان یک جایگزین مناسب برای متغیر شاخص فعالیت اقتصادی اعضای اوپک که در عرصه جهانی دست به مبادلات تجاری می زنند در نظر گرفته شود بنابراین، با در نظر گرفتن رابطه (۲)، یک بار دیگر مدل صادرات نفتی اوپک در قالب فرم زیر تعریف می گردد:

$$L X_{oit} = \beta_1 + \beta_2 L P_{oit} + \beta_3 L Q_{nt} + \beta_4 L Quota_t + \beta_5 L Global_{index} + U_{it} \quad (5)$$

که در آن $Global_{index}$ شاخص جهانی شدن است و بر پایه مطالعه کلباسی و جلایی (۱۳۸۱) به عنوان شاخص ادغام تجارت بین الملل (IIT) تعریف می شود:

$$IIT_t = 1 - [X_t + M_t] / (X_t + M_t)$$

در آن X_t و M_t به ترتیب و برحسب نیاز صادرات، واردات در یک بخش، کشور و یا یک منطقه تعریف می شوند. از نظر تهیه کنندگان این شاخص، جهانی شدن در حوزه اقتصاد عبارت است از یکپارچگی و ادغام اقتصادهای ملی از طریق گسترش تجارت و اقتصاد بازار آزاد در اقتصاد بین الملل.

این شاخص که در واقع همان شاخص گروبل و لوید^۲ است، نشان دهنده درجه ادغام تجارت بین الملل، تجارت درون صنعت و تجارت درون بخش است. اندازه این شاخص بین صفر و یک قرار داشته و در این دامنه در نوسان است. آنچنانکه صفر بیانگر عدم وجود تجارت درون بخشی و یک نشان دهنده تجارت کامل درون بخشی است. از آنجا که فرضیه اصلی مقاله مبتنی بر بررسی عوامل تاثیر گذار بر عرضه صادرات اوپک و همچنین تحلیل اثر گذاری متغیر جهانی شدن بر صادرات کشورهای اوپک است، با الهام از مدل نظری عرضه صادرات اوپک نشان داده شده در رابطه (۲) یک مدل آتورگرسو برداری (VAR) به صورت زیر قابل طرح است:

$$Z_t = [L X_{oit}, L P_{oit}, L Q_{nt}, L Quota_t, L Global_{index}] \quad (6)$$

که در آن می توان از روش های سری های زمانی مبتنی بر تکنیک هم جمعی برای تعیین اثرات بلندمدت متغیرهای مورد نظر بر متغیر هدف، یعنی صادرات اوپک، استفاده نمود. دوره مورد بررسی برای سری های زمانی متغیرها نیز در برگیرنده فاصله زمانی ۲۰۰۳ - ۱۹۷۹ است.

1. Integration of International Trade
2. Grubel - Loyal

۳-۱. روش تخمین ARDL

در این بخش، ابتدا به منظور تحلیل‌های هم‌جمعی و روابط بلندمدت بین متغیرهای موجود در بردار آتورگرسو (بردار ۳) از روش تک‌معادله‌ای پسران و شین (Pesaran and Shin) و پسران و همکاران موسوم به ARDL استفاده می‌شود. در روش مذکور برخلاف رویکرد آتورگرسو چند متغیره یوهانسون، هیچ الزامی به ایستا بودن رگرسورها (متغیرهای توضیحی مدل صادرات اوپک) با یک مرتبه جمعی $\{I(1)\}$ وجود ندارد، به طوری که رگرسورها در معادله هم‌جمع‌کننده، می‌توانند جمعی ایستا از درجه صفر $\{I(0)\}$ نیز باشند (Bauwens, L. et al, 1999).

به‌طور خلاصه در روش ARDL، فرآیند تخمینی الگو در دو گام انجام می‌شود: در گام نخست وجود هم‌جمعی، یعنی وجود یک رابطه تعاملی بلندمدت در میان متغیرهای الگو، آزمون می‌شود و در صورت وجود چنین رابطه بلندمدتی، جمله باقی‌مانده حاصل از آن، حتی اگر برخی از متغیرها غیرساکن و جمعی از درجه یک باشند، ساکن (از درجه صفر) خواهد بود در این صورت تخمین‌های سازگار و کارآمدی را می‌توان از کشش‌های صادراتی نسبت به متغیرها به‌دست آورد

با تخمین مجموعه‌ای از کشش‌ها یا ضرایب بلندمدت، دومین گام تجزیه و تحلیل هم‌جمعی، الگوسازی پویایی‌های کوتاه‌مدت است که دست‌یابی به رابطه تعادلی بلندمدت مربوطه را تضمین می‌کند. همان‌طور که توسط انگل و گرنجر (۱۹۸۷)^۱ نشان داده شده است، وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت میان مجموعه‌ای از متغیرها، متضمن حداقل یک معادله تصحیح خطا (نشان داده شده در رابطه ۵) است که چگونگی تعدیل متغیرهای برون‌زا برای بازگردان تعادل بلندمدت به نمایش می‌گذارد:

$$\Delta Y_t = \sum_{i=1}^k \alpha_i \Delta X_{it} + \alpha_0 \Delta W_t - \Phi_0 EC_{t-1} \quad (7)$$

استنباط‌های آماری روی ضرایب، در گام دوم معتبر بوده و کارایی مجانبی دارند. جمله تصحیح خطا (EC) همان جمله رگرسیون الگوی ایستای بلندمدت (u_t) است که به‌عنوان یک متغیر توضیح‌دهنده در الگوی ECM مورد استفاده قرار گرفته و برآورد خواهد شد سپس با انجام آزمون‌های لازم، ساختار پویایی کوتاه‌مدت مشخص می‌شود، به طوری که

ضریب EC میزان سرعت به سمت تعادل را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که از نظر علامتی منفی باشد (نوفروستی، ۱۳۷۸).

۲-۳. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

با تخمین مجموعه‌ای از کشش‌های بلندمدت از طریق ARDL، در دومین گام تجزیه و تحلیل‌های هم‌جمعی، الگوسازی پویایی‌های کوتاه‌مدت خواهد بود که تضمین‌کننده رابطه تعادلی بلندمدت نیز هست. همان‌طور که توسط انگل - گرنجر (۱۹۸۷) نشان داده شده است، وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت میان مجموعه‌ای از متغیرها، متضمن حداقل یک معادله تصحیح خطا است که چگونگی تعدیل متغیرهای درون‌زا در کوتاه‌مدت، نسبت به تعادل بلندمدت به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱ نتایج حاصل از برآورد مدل صادرات اوپک را برای دوره ۲۰۰۳-۱۹۷۹ با استفاده از روش ARDL نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، کاراترین برآوردها برای بردار متغیرهای ارایه شده در رابطه ۳ در شرایط دو وقفه زمانی برای متغیرهای صادرات اوپک، قیمت نفت و سهمیه‌بندی تولید اعضای اوپک است، در حالی که متغیر جهانی شدن دارای یک وقفه و متغیر تولید غیر اوپک بدون وقفه است. همچنین بر اساس اطلاعات ارایه شده در این جدول، نتایج حاکی از آن است که فروض کلاسیک، همواره برای برآورد الگوی صادرات اوپک استوار است، به طوری که آمارهای LM و ARCH^۱ بیانگر عدم خود همبستگی و نبود واریانس ناهمسانی باقیمانده‌ها در مشاهدات است. به علاوه آماره FRE SET نشان‌دهنده صحت تصریح مدل بر اساس ARDL بوده و آماره JB نیز زمال بودن باقی‌مانده‌ها را تایید می‌کند.

نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که اکثر ضرایب برآورده شده در چارچوب ARDL و به روش OLS معنی‌دار بوده و بر این اساس، فرضیه صفر، برای بیشتر ضرایب موجود در الگو، مبنی بر بی‌تاثیری متغیرهای توضیحی بر صادرات نفت اوپک، رد می‌شود. بدین ترتیب، مناسب‌ترین نتایج بردار هم جمع‌کننده، که بیانگر روابط بلندمدت تعادلی متغیرهای مدل صادرات اوپک است، از روش ARDL استخراج می‌شود و در جدول ۲ گزارش می‌گردد.

نتایج گزارش شده در جدول فوق نشان‌دهنده معنی‌داری ضرایب متغیرها (به جز قیمت نفت) بر صادرات اوپک در بلندمدت است. بدین لحاظ، در حالی که متغیرهای سهمیه‌بندی نفت و تولید غیر اوپک دارای اثرات مثبت و معنی‌داری بر صادرات نفت

فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

هستند، اثر قیمتی بر صادرات اوپک دیده نمی‌شود. طبق نتایج کسب شده، اثر جهانی شدن بر صادرات نفت در دوره مورد نظر منفی بوده است.

جدول ۱. نتایج برآوردی مدل صادرات نفت اوپک به روش ARDL در دوره ۲۰۰۳-۱۹۷۹-۲۰۰۳
ARDL(2,2,1,2,0)

Pb	t.student	ضرایب برآوردی	متغیرها
۰/۹۲	۰/۱۰۳۱۱	۰/۰۲۷۶۵۲	X _{oil} (-1)
۰/۰۲۲	۲/۶۶۲۵	۰/۴۹۸۵۶	X _{oil} (-2)
۰/۰۰	۵/۲۳۶۷	۰/۴۲۵۹۰	P _{oil}
۰/۰۴۵	- ۲/۶۴۰	- ۰/۲۱۶۹۷	P _{oil} (-1)
۰/۰۳۱	- ۲/۴۷۸۳	- ۰/۲۶۵۶۴	P _{oil} (-2)
۰/۰۲۳	- ۲/۶۳۰۹	- ۰/۷۸۲۸۹	IIT
۰/۰۸	- ۱/۹۳۱۴	- ۰/۷۳۲۰۵	IIT(-1)
۰/۵۵۱	۰/۶۱۴۳۹	۰/۳۶۰۵۱	Quota
۰/۰۵۹	- ۲/۱۰۳۸	- ۱/۱۷۱۳	Quota (-1)
۰/۰۰۹	۳/۱۷۵۷	۲/۷۷۷۵	Quota (-2)
۰/۱۰۶	۱/۷۵۹۵	۰/۵۰۸۰۰	Qn
۰/۶۱۲	۰/۵۲۲۵۹	۰/۶۰۶۹۴	C

D($\chi^2(1)$)	LM	Freset	JB($\chi^2(2)$)	DW	F(11,11)	R ²
۰/۴۳۱۹۶	۲/۴۹۷۲	۰/۱۶۵۸۲۱	۱/۸۴۵۲	۲/۵۴	۱۷۷/۹۴۳۱	۰/۹۸۸

منبع: محاسبات محقق

جدول ۲. نتایج برآوردی ARDL(2,2,1,2,0)، الگوی بلندمدت صادرات اوپک

Pb	t.student	ضرایب برآوردی	متغیرها
۰/۴۷۷	- ۰/۷۳۶۹۹	- ۰/۱۱۹۴۵	P _{oil}
۰/۰۰۰	- ۵/۴۲۸۸	- ۳/۱۹۱۵	IIT
۰/۰۶۷	۲/۰۲۸۰	۴/۱۴۳۳	Quota
۰/۱۱۴	۱/۷۱۱۶۰	۱/۰۷۰۲	Qn
۰/۶۰۴	۰/۵۳۳۸۰	۱/۲۷۸۶	C

طبق نتایج به دست آمده یک درصد افزایش در شاخص جهانی شدن، در حدود ۳/۲ درصد کاهش در صادرات نفت اوپک در بلندمدت ایجاد می‌شود. از آن جایی که این شاخص بر حسب IIT (شاخص ادغام تجاری) اندازه‌گیری شده است، می‌توان استنباط

نمود؛ با افزایش جریان تجاری کشورهای عضو اوپک با شرکای تجاری خود در سطح جهان، روند مبادلات غیرنفتی گسترش می‌یابد و با جایگزین شدن آنها در فرآیند صادرات کشورهای عضو به طور قابل توجهی از حجم صادرات نفت کاسته می‌شود. این در حالی است که با گسترش مناسبات اقتصادی جهانی تقاضای انرژی و نفت افزایش می‌یابد.

همچنین یک درصد افزایش در سهمیه‌بندی اعضا حدود ۴/۱ درصد افزایش در تولید نفت اوپک ایجاد می‌شود که این نشانی تخطی شدید اعضا از سهمیه‌های تعیین شده در دوره موردنظر بوده است. تولید اعضای غیر اوپک بر صادرات نفت اوپک در بلندمدت اثر مثبت دارد. به طوری که ضریب آن در سطح ۱۰ درصد اهمیت معنی دار است. با یک درصد افزایش تولید غیر اوپک، اعضای اوپک نیز حدود ۱/۱ درصد صادرات خود را در بلندمدت و در رقابت با غیر اوپک افزایش می‌دهند. در مجموع عوامل تعیین کننده رفتار صادراتی اوپک، قیمت نفت اثر معنی دار و تعیین کننده‌ای در بلندمدت ندارد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار قیمتی و به عبارتی بازار جهانی نفت اوپک حاکم نبوده است. تابع کوتاه مدت صادرات نفت اوپک بر اساس مکانیسم تصحیح خطا (ECM)^۱ در دوره مورد نظر (۲۰۰۳-۱۹۷۹) برآورد شده، که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است. مطابق با نتایج کسب شده، آثار قیمتی کوتاه مدت بر صادرات اوپک مثبت است، که ناشی از عکس العمل رفتار آتی اعضای اوپک نسبت به تغییرات قیمت نفت جهانی است و تولید غیر اوپک آثار یکسانی را مانند بلندمدت روی صادرات نفت اوپک ایجاد می‌کند. به عبارت واضح تر، واکنش صادرات اوپک نسبت به فرایند جهانی شدن منفی است ولی از حساسیت کمتری نسبت به بلندمدت برخوردار است. در مقابل سهمیه بندی تولید اوپک اثر منفی و معنی داری را بر صادرات اوپک ایجاد می‌نماید، به طوری که در کوتاه مدت به ازای یک درصد کاهش (افزایش) در سهمیه بندی، معادل ۲/۸ درصد افزایش (کاهش) در جریان صادراتی اوپک ایجاد می‌شود. این در حالی است که اثر سهمیه بندی در بلندمدت بر خلاف نتیجه به دست آمده در کوتاه مدت است.

۴. نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل صادرات اوپک و برآوردهای حاصل شده از رگرسیونها، قیمت‌های واقعی نفت در کوتاه مدت دارای اثر مثبت و معنی داری بر روی صادرات اوپک است و این بدین معنی است که تغییرات قیمتی در بازار جهانی نفت در

1. Error Correction Model

جدول ۳. نتایج کوتاه‌مدت صادرات اوپک به روش ECM

Pb	t.student	ضرایب برآوردی	متغیرها
۰/۱۹	- ۲/۶۶۲۵	۰/۴۹۸۵۶	dXoil1
۰/۰۰۰	۵/۲۳۶۷	۰/۴۲۵۹۰	dPoil
۰/۰۲۷	۲/۴۷۸۳	۰/۲۶۵۶۴	dPoil1
۰/۲۰	- ۲/۶۳۰۹	- ۰/۷۸۲۸۹	dIIT
۰/۵۴۵	۰/۶۱۴۳۹	۰/۳۶۰۵۱	Dquota
۰/۰۰۷	۳/۱۷۵۷	- ۲/۷۷۷۵	dquota1
۰/۱۰۰	۱/۷۵۹۵	۰/۵۰۸۰۰	dQn
۰/۶۰۹	۰/۵۲۲۵۹	۰/۶۰۶۹۴	dC
۰/۰۰۰	- ۵/۶۸۴۳	- ۰/۴۷۴۶۹	ECM(-1)

$$ECM = Xoil + 0.11945Poil + 3.1915IIT - 4.1433quota - 1.0702Qn - 1.2786C$$

$$R^2 = 0.963$$

$$DW = 2.54$$

$$F(8,14) = 73.1823$$

منبع: محاسبات محقق

دوره‌های کوتاه‌مدت روی رشد صادرات اوپک اثر گذار است. در صورتی که در بلندمدت این متغیر اثر معنی‌داری روی صادرات اوپک نداشته است و نمی‌تواند باعث تغییر در آن شود. از طرف دیگر شاخص IIT که به عنوان شاخص نمونه جهانی شدن انتخاب شده و با توجه به فرمول ارائه شده در قبل، محاسبه شده است در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارای اثر معنی‌دار است، اما این اثر برخلاف پیش‌بینی‌های صورت گرفته بر خلاف جهت مورد نظر است و منفی خواهد بود. اما آنچه مورد توجه است اثر متفاوت جهانی شدن در کوتاه‌مدت و بلندمدت است که این اثر در گذر زمان از شدت بیشتری برخوردار است و در کوتاه‌مدت تاثیر کمتری خواهد داشت. سهمیه‌های تعیین شده از سوی اوپک برای کشورهای عضو در کوتاه‌مدت بدون اثر معنی‌دار است و این بیان می‌کند که تعیین سهمیه و یا افزایش و کاهش آن در کوتاه‌مدت اثر معنی‌داری را بر صادرات اوپک نخواهد داشت در صورتیکه در بلندمدت این متغیر با یک اثر معنی‌دار مثبت به عنوان یک متغیر مهم و تاثیرگذار شناخته می‌شود و این موضوع اثر سیاست‌های اوپک در رای‌زنی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای تغییر میزان تولید و سهمیه‌ها را در بلندمدت نشان می‌دهد. بنابراین تغییر میزان سهمیه‌ها در کوتاه‌مدت اثری بر رشد صادرات اوپک نخواهد گذاشت. تولید

نفت خام توسط کشورهای غیر عضو هم در بلندمدت هم در کوتاه مدت اثر معنی داری بر صادرات اوپک داشته و نشان می دهد که غالب سیاستگذاری های اوپک در جهت تغییر میزان صادرات نفت، در رقابت با تولید کشورهای غیرعضو در نظر گرفته می شود. همچنین نتایج نشان دادند که تغییر قیمت نفت بر صادرات نفت اوپک در کوتاه مدت به عنوان متغیر اثرگذار و معنی داری محسوب می شود، به طوری که رفتار صادراتی اوپک به صورت آنی تحت تاثیر قیمت قرار می گیرد ولی در بلندمدت اثر قیمتی روی صادرات نفت اوپک از بین می رود. بنابراین با توجه به حرکت اوپک در چند سال اخیر به سمت مشارکت و یکپارچگی در تصمیم گیری برای کسب توافق بیشتر در سهمیه ها و بهره مندی از افزایش قیمت نفت می تواند به یک الزام در فرآیند جهانی شدن تبدیل شود؛ چنانچه قیمت نفت هم مانند سایر کالاها در راستای این فرآیند به یک کالای اقتصادی تبدیل شود و قیمت آن نیز همانند کالاهای دیگر به سطح واقعی خود نزدیکتر شود.

منابع

1. استیگلیتز، جوزف. (۱۳۸۳). جهانی سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
2. بهروزی فر، مرتضی. (۱۳۸۱). بازارهای جهانی شده و چالشهای فراروی اوپک، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، سال نهم.
3. دادگر، یدا... و علی اکبر ناجی میدانی. (۱۳۸۲). شاخصهای جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه ۲۹.
4. طیبی، سیدکمیل. (۱۳۸۳). روند تعامل بلندمدت سرمایه گذاری و صادرات نفتی، فصلنامه علمی - تخصصی مؤسسه حوزه و دانشگاه، سال اول.
5. کلباسی، حسن و سیدعبدالمجید جلالی. (۱۳۸۱). بررسی اثر جهانی شدن بر تجارت خارجی ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، شماره ۱۱.
6. مزرعتی، محمد و مژگان علایی فر. (۱۳۸۳). واکنش اوپک و غیراوپک به قیمتهای نفت، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال اول، شماره ۱.
7. Ades, Albert F. and Edward L. Glaeser (1999). Evidence on Growth, Increasing Returns, and the Extent of the Market. The Quarterly Journal of Economic, pp. 1025 - 1045. August
8. Al-Yousef, N. (1998). Economics Models of OPEC Behavior, Department of Economics, University of Surry, pp. 4-20
9. Bauwens, L. et al (1999). Bayesian Inference in Dynamic Econometric

- Model , Oxford University Press , UK , pp .350
10. Crafts , Nicholas (1999) .East Asian Growth before and after the Crisis .IMF Staff Papers , 46 (2) ; pp .139-166 , June
 11. Engle ,R.F. and C.W.J Granger (1987) . Cointegration and Error Correction : Representations , Estimation and Testing , Econometrica , Vol. 55 , pp .251 – 276
 12. Frankel, Jeffrey A (2000) . Globalization of the Economy , NBER Working Paper No. 7858 , August
 13. Hertel, Thomas W. Bernard M. Hoekman and Will Martin (2000) .Developing Countries and a New Round of WTO Negotiations , Mimeo . World Bank , Washington D.C .April
 14. Kaufman ,R.K and Sanchez (2002) .Modeling of World Oil Market . Eroupen Central Bank , pp .10- 15
 15. Kaufman ,R.K(2002) .Does OPEC Matter ? Energy Journal , Vol.3 ,No.4 ,pp .12-18
 16. Krueger, Ann O (1997) . Trade and Economic Development : How We Learn , American Economic Review .87 (1) .pp .1 -22
 17. Labys,W.C (2002) . Globalization ,Oil Price Volatiltiy ,and the US Economy . Energy Journal , Vol.3 ,No.4 ,pp .27-33
 18. Moreira ,Mauricio Mesquita and Sheila Najberg(2000) .Trade Liberalization in Brazil : Creating or Export Jobs ? The Journal of Development Studies Vol.36 ,No.3 ,pp .78- 99
 19. Molchanov , P(2003) .A Stastical Analysis of OPEC Quota Violantions ,Duke University ,pp .49-53
 20. Omandule .E (2001) .Oil Pricing in the 21 Century ,pp .19-25
 21. Srinivasan,T.N. and Jagdish Bhagwati (1999) .Outward Orientation and Development : Are Revisionists Right ? Center Discussion Paper , NO. 806 . Economic Growth Center ,Yale University September
 22. World Bank (1999) Entering the 21st Century .World Development Report 1999/2000. Oxford University Press ,New York .